

## **The Litigation Process of Female Defendants from the Perspective of Jurisprudence and Law**

Hassan Asadi<sup>1</sup>; Mehri Kakoui<sup>2</sup>

Received:25/01/2021

Accepted:10/03/2021

### **Abstract**

**Background and Aim:** Islam has equal views on the rights of men and women, but at the same time in terms of conditions, characteristics and physical and social characteristics of women, women are more vulnerable. The purpose of this study is to study the jurisprudence and law of the trial of female defendants.

**Method:** This study was conducted via explanatory and inferential methods. The study considers the rules of Islamic jurisprudence and its compliance with the laws and regulations in the system of legislation and procedure, in the stage of preliminary investigation and investigation, accusation, arrest and detention, search and inspection, torture of the accused to obtain confession, trial and execution.

**Results and Conclusion:** The study showed that the use of female police and training of female officers to interrogate female defendants during crime detection and preliminary investigations and the opportunity for non-public hearings, especially in cases of indecency, use of assistants and counselors. A woman has some rights during such as benefiting from a female escort during the execution.

**Keywords:** Law, female defendant, female police, fair trial, principles of jurisprudence, Islamic law

---

1 Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Islamic Azad University, Varamin Branch, Tehran, Iran (Responsible Author); aasadihasan171@gmail.com

2 PhD student in Islamic jurisprudence and law, Islamic Azad University, Varamin Branch, Tehran, Iran. Ka.mehri@yahoo.com

## فرآیند دادرسی متهمان زن از منظر فقه و حقوق

حسن اسدی<sup>۱</sup>؛ مهری کاکویی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

### چکیده

**زمینه و هدف:** اسلام نسبت به حقوق زن و مرد دیدگاه برابر دارد، اما همزمان به لحاظ شرایط، ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی و اجتماعی زنان، آسیب‌پذیری زنان بیشتر است. هدف از پژوهش حاضر بررسی فقهی و حقوقی چگونگی فرآیند دادرسی متهمان زن است.

**روش:** این مطالعه به روش تبیینی و استنباطی انجام شده است. پژوهش قواعد فقه اسلامی را مورد توجه قرار داده و تطابق آن را با قوانین و مقررات در نظام قانونگذاری و آیین دادرسی، در مرحله کشف و تحقیقات مقدماتی، اتهام، دستگیری و بازداشت، تفتیش و بازرسی، شکنجه متهم برای کسب اقرار، دادرسی و اجرای حکم در مورد متهمان زنان بررسی نموده است.

**یافته‌ها و نتایج:** مطالعه نشان داد که بهره‌گیری از پلیس زن و آموزش ضابطان زن برای بازجویی از متهمان زن در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و برخورداری از فرصت غیر علنی بودن جلسات رسیدگی به ویژه در جرایم منافی با عفت، بهره‌مندی از مددکار و مشاور زن در مرحله دادرسی و به همراه داشتن طفل و بهره‌مندی از مامور بدرقه زن در مرحله اجرای حکم، از جمله حقوق متهمان زن به شمار می‌آید.

### واژه‌های کلیدی

حقوق، متهم زن، پلیس زن، دادرسی عادلانه، اصول فقه، حقوق اسلامی

۱ استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

aaasadihasan171@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، تهران، ایران.

Ka.mehri@yahoo.com

## مقدمه

در مجموعه قوانین کیفری که در هر جامعه متکفل حراست از اساسی ترین ارزش‌ها و هنجارها قلمداد می‌شود، مقررات آیین دادرسی کیفری در حفظ نظم عمومی، رعایت حقوق بزه‌دیدگان و حقوق دفاعی متهمان از اهمیت خاصی برخوردار است. به منظور حفظ حقوق فردی، اهمیت آیین دادرسی کیفری تا آنجا است که گفته می‌شود هرگاه به کشوری گام نهادید و مشتاق آگاهی از حقوق و آزادی‌های فردی و ارزش و اعتباری که جامعه برای آن‌ها قائل است بودید، کافی است به قانون آیین دادرسی کیفری آن کشور مراجعه کنید چرا این مقررات شکلی، تبلور حقوق و آزادی‌های افراد جامعه و به دنبال برقراری تعادل و توازن میان منافع اجتماع و شهروندان آن است. به همین علت، آیین دادرسی کیفری، «هنر آشتی میان منافع عمومی و منافع متهم» قلمداد می‌شود (مؤذن زادگان، تدین، ۱۳۹۳، ص ۶۸).

زن و مرد به لحاظ حقوق مدنی و سیاسی و پیامدهای اعمال این حقوق، با یکدیگر برابرند، اما همزمان به لحاظ ویژگی‌ها و خصوصیات جسمانی زنان که آن‌ها را در موقعیت آسیب‌پذیرتری نسبت به مردان قرار می‌دهد، زنان باید از حمایت‌های ویژه‌ای از جمله حمایت‌های کیفری برخوردار شوند. براساس متمم قانون اساسی مشروطه، اهالی مملکت ایران در مقابل قانون، متساوی الحقوق هستند و در همه شئون زندگی از جمله در حقوق کیفری و فرآیند دادرسی زنان و مردان به منزله متهم، بزه‌دیده و گواه باید از حقوق برابر بهره‌مند شوند و برخورد قانونی، قضایی و پلیسی با آنان یکسان باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن تاکید مستقل و خاص بر حقوق زنان (اصل ۲۱)، همه افراد ملت، اعم از زن و مرد را به طور یکسان در پناه حمایت قانون قرار داده و برابری حقوقی زن و مرد را در چارچوب مقررات اسلامی قابل تعریف و تفسیر دانسته است (اصول ۴ و ۲۰). این شیوه‌نگرش و برداشت باعث شده تا قانونگذار ایرانی در قوانین عادی، احکام متفاوتی را در قوانین ادی در مورد زنان نسبت به مردان به تصویب برساند؛ اما در عین حال، به لحاظ آسیب‌پذیری نسبت به مردان و با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات جسمانی آنان،

گاهی حمایت‌های کیفری خاصی را از رهگذر جرم‌انگاری‌های مستقل و وضع قوانین شکلی خاص پیش‌بینی نموده است. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز در این راستا گام برداشته است (مهرا، ۱۳۸۴، ص ۱۱)؛ «حق برخورداری از تدابیر قانونی و حمایت قضایی به منظور پیشگیری از جرم و ستم به زنان در خانواده و جامعه و رفع آن» (ماده ۱۴۲)، تکلیفی در سیاست‌گذاری دستگاه‌های مربوطه و در وضع تدابیر قانونی و برنامه ریزی کلان محسوب می‌شود.

توجه به حقوق متهم از موضوع‌های مهم در عرصه «حقوق موضوعه» است که در سیستم قانون‌گذاری اسلامی بر مبنای اصل «کرامت انسان» و اصول «عدالت» و «امنیت» توجه خاصی به آن شده است. از جمله حقوق برشمرده شده برای متهم در اسلام اصل «جواز پذیرش و کیل در دعاوی» است؛ براساس این اصل، در موارد مقتضی نه تنها گرفتن و کیل مانعی ندارد، بلکه به دلیل کمک به تحقق عدالت، پسندیده و بلکه ضروری است (مهردوی پور، اصغریان و نقیبی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶).

امروزه یکی از موضوعات مهم و مورد توجه بین‌المللی، مسئله حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض براساس جنسیت است. در عرصه بین‌المللی تلاش‌های زیادی برای تثبیت فرهنگ تساوی حقوق بین زن و مرد و رفع نگرش تبعیض‌آمیز در عادات و رسوم و قوانین و مقررات شده است و اسناد بین‌المللی متعددی در این زمینه تدوین و به تصویب دولت‌ها رسیده است. براساس این اسناد و تعهدات بین‌المللی، دول عضو متعهد شده‌اند که در وضع قوانین و مقررات و عملکرد خود، تبعیض براساس جنسیت و دیدگاه سنتی تحقیر موقعیت و مقام انسانی زنان را کنار گذاشته و تفاوت‌ها براساس تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد و اقتضائات آن در انجام وظایف و تکالیف باشد (مهروپور، ۱۳۷۹، ص ۲۲).

متهمان زن علاوه بر حقوق عامی که همه متهمان از آن بهره‌مندند، با توجه به ویژگی‌های جنسیتی و آسیب‌پذیری به یک سلسله حقوق و حمایت‌های اختصاصی نیاز دارند. از این رو، پژوهش در حقوق اختصاصی زنان امری اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا پژوهش

حاضر سعی دارد با تمرکز بر قواعد فقه اسلامی، به بررسی عمیق و دقیق و موشکافانه این موضوع پردازد که در صورت ارتکاب جرم توسط زنان، آیا مراحل شناسایی، تعقیب، دادرسی و مجازات متفاوتی خواهند داشت؟ پژوهش همچنین به بررسی دیدگاه فقه‌های اسلام نسبت به زنان متهم می‌پردازد.

**پیشینه پژوهش:** در ادامه به برخی مطالعات این حوزه اشاره می‌شود.

احمدی و همکاران (۱۳۹۷)، در بررسی جایگاه زنان زندانی در موضوع حقوق شهروندی اسلامی بیان کردند که زن به عنوان عضوی از جامعه، جایگاه و نقش‌های متفاوتی در نظام جزایی دارد و با توجه به این که قوانین ایران برگرفته از فقه اسلامی است، در تمامی موارد به نقش و جایگاه زنان توجه گردیده و حقوقی مانند منع حبس انفرادی زنان و ارتباط با خانواده به ویژه با کودکان خود و رژیم غذایی مناسب که مورد نظارت و ارزیابی ماموران بهداشت بوده و حفظ ارتباط با محیط بیرون از زندان را می‌توان از آن جمله برشمرد.

افراسیابی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «پاسخ‌های پلیس به خشونت علیه بانوان در محیط‌های اجتماعی مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و کانادا» بیان کردند که در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، پلیس در قالب طرح استقرار مدارس، مشاوره به طرفین در کلانتری، استخدام پلیس زن و سخنرانی در مدارس دخترانه به صورت غیر منسجم و پراکنده به مسئله خشونت علیه بانوان پاسخ می‌دهد. پلیس کانادا نسبت به مسئله مذکور موضع فعال‌تری داشته و سیاست‌ها، رویه‌ها و ساختارهای خاص برای پاسخ به آن ایجاد کرده است. اختصاص شماره تلفن خاص و تیم‌های پاسخ سریع، تفویض اختیارات خاص به پلیس در مداخله و امکان بازداشت موقت مرتکب خشونت، برگزاری جلسات آموزشی برای ارتقای آگاهی‌های عمومی و آموزش افسران پلیس، از جمله پاسخ‌های پلیس کانادا به این مسئله اجتماعی است. رجبی (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای با عنوان «پلیس زن و حقوق شهروندی زنان بزه‌کار و بزه‌دیده در جرایم مواد مخدر و روان‌گردان» بیان کرد که با توجه به این که بخش مهمی از جرایم مواد مخدر و روان‌گردان را زنان انجام می‌دهند و به لحاظ الزامات شرعی و قانونی برای مقابله با این دسته از مجرمین نقش پلیس زن درخور

توجه است، الزامی کردن حضور افسران زن در اجرای برخی از وظایف محول شده به پلیس به ویژه بازجویی و تحقیق از زنان و دختران بزه دیده و مجرم، دستگیری و تفتیش بدنی زنان، نقل و انتقال و امور نگهداری زنان بازداشت شده و حمایت از زنان و کودکان بزه دیده باید مورد توجه قرار گیرد. ملک‌زاده (۱۳۹۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «مبانی فقهی و حقوقی اعتبار شهادت زنان در اثبات دعاوی»، به بیان تفاوت‌های بین شهادت زنان و مردان در حقوق کیفری ایران پرداخته است.

مهدوی پور و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «حقوق بانوان متهم در نظام حقوقی ایران»، بیان کردند که آسیب‌پذیری زنان که بیش از هر چیز در بزه‌دیدگی آنها نقش دارد، زنان را شایسته حمایت‌های ویژه‌ای می‌کند و پیشگیری از بزه‌دیدگی دوباره زنان - به‌ویژه بزه‌دیدگی قضایی در جریان دادرسی‌های کیفری - ایجاب می‌کند که از زنان، چه در مقام شاکی و بزه‌دیده و چه در مقام متهم در سطح سیاست جنایی تقنینی و قضایی کشور، حمایت‌های مناسب شود.

همانطور که مرور ادبیات نشان می‌دهد، در موضوع حقوق متهم پژوهش‌هایی انجام شده، ولی درباره حقوق اختصاصی زنان پژوهش‌چندانی اجرا نشده است. از منظر مقصد شناسی، باید شناسایی حقوق اختصاصی زنان متهم را مقدمه ارتقای حقوق زنان متهم در حقوق کنونی حاکم بر کشور به شمار آورد. توسعه ادبیات حقوقی ناظر به حقوق زن نیز از جمله اهداف نظری این پژوهش است.

**مبانی نظری پژوهش:** بحث از اجرای قوانین فقهی اسلام در بخش حقوق زن و خانواده، در نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر حاکمیت دینی، از دو جهت قابلیت تحلیل و بررسی دارد: یکی از منظر سیاسی و دیگری از منظر حقوقی. از منظر سیاسی باید توجه داشت که نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی برآمده از مکتب اسلام است و با هدف اجرای احکام اسلامی به وجود آمده است. مبنای مشروعیت نظام اسلامی، ربوبیت تشریحی خداوند در عالم انسانی است که در آموزه ولایت تبلور یافته است. انگیزه اصلی اجرای احکام اسلامی، محقق کردن اراده تشریحی خداوند در جامعه و رسیدن به آرمان‌هایی است

که دین مبین اسلام، سعادت فرد و جامعه را در تحقق آن می‌بیند. مهم کردن نظام اسلامی در اجرای احکام اسلامی به انگیزه‌های نامطلوب و غیراخلاقی، اتهامی نامنصفانه و بدون از اخلاق سیاسی است (روزنامه کیهان، ۱۳۹۶، ۱۶ اسفند). منظر دوم، بررسی جنبه‌های حقوقی و فلسفه حقوقی تفاوت‌های موجود میان زن و مرد در ساحت تکلیف و حقوق است. بر اساس جهان‌بینی اسلام، ولایت، حق انحصاری خداوند و حاکمیت و قانون‌گذاری بر انسان‌ها جز از سوی او و به اذن او، کاری باطل و نامشروع است. وقتی به مجموعه قوانین حقوقی اسلام، در همه ابعاد، می‌نگریم، به وضوح درمی‌یابیم که نظام حقوقی اسلام در بخش‌هایی، زن و مرد را مساوی نگریده و در بخش‌های دیگری میان آن‌ها تفاوت قائل شده است.

در فقه جزایی اسلام، تفاوت‌هایی در ابعاد جرم‌انگاری مسئولیت کیفری و اجرای مجازات بین زن و مرد در نظر گرفته شده است و این تفاوت در برخی از تکالیف و حقوق و مقررات به مفهوم تبعیض یا برتری یکی از دو جنس نیست، بلکه مقتضای ایجاد هماهنگی بین قوانین و مقررات در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی، اجتماعی و منطبق بر توانمندی جسمی و روانی و عاطفی زن و مرد و هدف خلقت است. در ادامه به بررسی اجمالی این مواد در شرع اسلام پرداخته می‌شود.

**دیه زن:** دیه نفس زن مسلمان آزاد برابر نصف دیه مرد مسلمان آزاد است و در این مورد میان فقهای شیعه اختلافی نیست و اجماع نیز کرده‌اند. در مورد دیه زن مسلمان نیز هرگاه مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیه مرد را به او بپردازد (وزیری و حسینی، ۱۳۹۷، ص ۶۲).

**تفاوت دیه جراحت زن و مرد:** فقهای امامیه به استناد اخبار صحیحی عقیده دارند به مجرد اینکه دیه عضو یا جراحت به ثلث دیه کامل برسد، دیه زن نصف می‌شود (وزیری و حسینی، ۱۳۹۷، ص ۶۲)، ولی شیخ طوسی (ره) در کتاب «النهایه» عقیده دارد که تساوی زن و مرد از لحاظ دیه و قصاص تا جایی است که دیه از ثلث تجاوز نکند. مادام که از ثلث تجاوز نشد، تساوی بین زن و مرد برقرار خواهد بود (طوسی، ج ۳، ص ۷۸).

**زنا:** زنا به روابط نامشروع زن و مرد گفته می‌شود و حد آن پنج قسم است: قتل، رجم، جلد، تراشیدن موی سر و تبعید که برخی مختص مردان است و برخی مشترک بین زنان و مردان. قتل از مجازات‌های مختص مردان می‌باشد. ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان، محصن و غیر محصن نیست: ۱- زنا با محارم نسبی؛ ۲- زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است؛ ۳- زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است؛ ۴- زنا با عفت و اکراه که موجب قتل اکراه کننده است. مجازات بیان شده در این مورد به مردان اختصاص دارد و شامل زن زانیه نمی‌شود (طوسی، ج ۳، ص ۶۸). در رجم و جلد فرقی میان زن و مرد وجود ندارد، اما مطابق ماده ۸۷ قانون مجازات اسلامی، مجازات تبعید و تراشیدن سر مخصوص مردان است. بنابراین زنان فقط محکوم به تازیانه می‌شوند. این حکم را مشهور فقها پذیرفته‌اند. اما گروهی از فقها دلایل آنها را کافی برای مستثنی کردن زن از حکم تبعید و تراشیدن سر ندانسته‌اند و در نتیجه زنان را همچون مردان تابع همین حکم می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۶۲).

**لواط:** نظام جزایی اسلام، کیفرهای سخت و قاطعی را برای آن قانون‌گذاری کرده که همه آن‌ها به اعدام منتهی می‌شود. مجازات لواط به معنای حقیقی آن، کشتن به وسیله شمشیر، سوزاندن در آتش، افکندن دیوار روی آن‌ها و پرتاب کردن از بلندی است. به دلیل آن که این جرم اخلاقی از جرایم اختصاصی ویژه مردان است، مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی نیز تنها به مردان اختصاص پیدا می‌کند (تاجیک، ۱۳۸۶، ص ۲۳۱).

**قوادی:** براساس ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی، «قوادی عبارت است از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط». در اعمال مجازات قوادی نیز بین زن و مرد تفاوت وجود دارد (تاجیک، ۱۳۸۶، ص ۲۳۲). اگر فردی که قوادی می‌کند مرد باشد، نظر مشهور فقها این است که سه چهارم حد زناکار [یعنی ۷۵ تازیانه] به او زده می‌شود و برخی از فقها گفته‌اند که اختلافی در این مورد وجود ندارد. اما در صورتیکه فردی که قوادی می‌کند زن باشد، نظر مشهور فقها این است که تازیانه می‌خورد. بلکه ادعا شده در این مورد



اختلافی بین فقها وجود ندارد ولی این خالی از اشکال نیست و زن، تبعید و تشهیر [به معنای بد نام کردن و رسوا کردن است که کاری کنند که مردم او را بشناسند و از او کناره گیری کنند و یا اینکه او را به عنوان شاهد در دعاوی نپذیرند و...] نمی‌شود و موهای سرش هم تراشیده نمی‌شود (موسوی خویی، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، ص ۹۰).

**تأثیر جنسیت بر اجرای مجازات شلاق:** اگر مرد زناکار عریان دستگیر شود، به همان صورت تازیانه می‌خورد و اگر در هنگام زنا جامه بر تن داشته است، گفته شده که عریان می‌شود و بعد حد تازیانه بر او زده می‌شود و در این نظر اشکال است و اظهار این است که تازیانه او در حالی که لباس بر تن دارد جایز است. ولی زن زناکار در حالیکه لباس بر تن دارد تازیانه می‌خورد و مرد در حال ایستاده و زن در حال نشسته می‌خورد و تازیانه نباید به صورت و عورت برخورد کند. (موسوی خویی، مبانی تکمله المنهاج، ج ۲، ص ۶۷).

**قصاص زن باردار:** مجازات جرایم عمدی بر ضد تمامیت جسمانی انسان مسلمان قصاص است، لیکن اجرای این مجازات نسبت به زن باردار امکان ندارد. براساس آموزه‌های فقه جزایی اسلام، چنانچه فرد مورد قصاص، زن باردار باشد، باید اجرای حکم تا زمان وضع حمل به تاخیر بیافتد. هر چند که حمل پس از ارتکاب جرم اتفاق افتاده باشد و پس از آن در صورت توقف حیات فرزند به مادر از جهت تغذیه و مانند آن و یا به خطر افتادن حیات فرزند با قصاص مادر، اجرای قصاص به تاخیر می‌افتد. در این حکم فرقی بین مجازات قصاص نفس و مجازات قصاص عضو نیست.

**تأثیر جنسیت بر کیفیت اجرای حد رجم:** در کیفیت اجرای حد رجم نیز به لحاظ مصالحی، بین زن و مرد تفاوت وجود دارد، چنانچه زن و مردی به حد رجم محکوم شوند، در هنگام اعمال مجازات رجم، زن را تا سینه و مرد را تا کمر در گودال دفن می‌کنند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۷۸).

**حد ارتداد:** در کتب فقهی مرتد فطری (فردی که از اصل مسلمان بوده و بعد کافر شده) اگر مرد باشد، اعدام، ولی اگر زن باشد، مجازات نوعی حبس با اعمال شاقه است تا زمانی

که توبه کند و اگر توبه نکرد، این حبس تا زمان مرگ وی ادامه خواهد یافت (شهید ثانی، ۱۳۷۰، ج ۲۸، ص ۳۴۲).

## روش

این مطالعه به روش تبیینی و استنباطی انجام شده است. پژوهش قواعد فقه اسلامی را مورد توجه قرار داده و تطابق آن را با قوانین و مقررات در نظام قانونگذاری و آیین دادرسی، در مرحله کشف و تحقیقات مقدماتی، اتهام، دستگیری و بازداشت، تفتیش و بازرسی، شکنجه متهم برای کسب اقرار، دادرسی و اجرای حکم در مورد متهمان زنان بررسی نموده است.

## یافته‌ها

براساس مبانی بررسی شده، حقوق متهم زن از منظر فقه و حقوق در مراحل مختلف اتهام، تفهیم اتهام، دستگیری و بازداشت، کشف و تحقیقات مقدماتی، تفتیش و بازرسی بدنی، شکنجه برای کسب اقرار و دادرسی به شرحی است که در ادامه آورده می‌شود.

**حقوق متهم زن در مرحله اتهام:** بازداشت فرد در مرحله اتهام، خلاف شرع است؛ اساس این نظریه این است که همان‌طور که مرحوم مقدس اردبیلی هم در «مجمع القاعده و البرهان» فرمودند، ماهیت حبس، مجازات و عقوبت است و اصلاً نمی‌شود مجازات و عقوبت را از ماهیت حبس سلب و بین آن‌ها تفکیک برقرار کرد. مجازات مختص به مجرم است، در حالی که هنوز جرم متهم ثابت نشده است و چه بسا بعد از رسیدگی، تبرئه شود، بنابراین، اساساً به استناد روایات و ادله، بازداشت موقت متهم خلاف شرع است. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نیز صرف نظر از مواد عمومی و مشترک بین زن و مرد، شرایط محدود و خاصی در بحث تحقیق و بازرسی از زنان یا اجرای مجازات آن‌ها پیش‌بینی شده است. در این راستا، ماده ۴۲ قانون مزبور صراحت دارد که بازرسی و تحقیقات از زنان، در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی صورت پذیرد.

**دستگیری و بازداشت زنان:** مطابق رویه عملی و مقررات مربوط به پلیس و قوانین دادرسی، پلیس مرد می‌تواند متهم زن را دستگیر کند، ولی بازرسی بدنی او را باید پلیس

زن انجام دهد. با توجه به اهمیت بازداشت و دستگیری زنان است که پیشنهاد شده که پلیس مرد، هنگام انجام این اقدامات، نباید بدن زن را لمس کند و همچنین گفته می‌شود که زن نباید پس از غروب آفتاب و پیش از طلوع آفتاب دستگیر شود. اگر بازداشت وی ضروری باشد، افسر پلیس باید از مقام بالاتر خود اجازه بگیرد و اگر امکان گرفتن اجازه وجود نداشته باشد، افسر پلیس می‌تواند زن را بازداشت کند، ولی باید گزارش موجهی حاوی دلیل عدم امکان گرفتن اجازه از افسر بالاتر تهیه کند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، سه شرط تضمینی مهم را در بازجویی ضابطان از متهمان زن پیش‌بینی و عنوان کرده است: ترجیحاً از ضابطان زن برای این گروه از متهمان استفاده شود؛ ضابطان مورد نظر، آموزش‌ها و مهارت‌های علمی و عملی لازم را در مواجهه با این قبیل متهمان آموخته باشند و نیز اینکه بازجویی از زنان باید با رعایت موازین شرعی صورت پذیرد. اگرچه در بادی امر این اقدام نوین مقنن کیفری را می‌توان تحولی مثبت و گامی رو به جلو دانست، اما قید عبارت «در صورت امکان» در ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، وصف آمرانه و الزامی این حکم را زائل کرده است و اختیار نهایی را به ضابطان واگذار می‌کند.

**مرحله کشف و تحقیقات مقدماتی از منظر فقه و حقوق:** اگر فردی زن پاکدامنی را متهم به کار ناشایست کرد، باید چهار شاهد برای مدعای خود بیاورد؛ در غیر این صورت، حد قذف بر وی جاری شده و هشتاد تازیانه می‌خورد.<sup>۱</sup> کسانی که همسران خود را (به عمل منافی عفت) متهم می‌کنند و گواهانی جز خودشان ندارند، هر یک از آنها باید چهار مرتبه به نام خدا شهادت دهد... این نوع تهمت با عنوان «قذف» مطرح شده و فتوای فقهاء بر تحریم این عمل نیز بر اساس آیات و روایاتی است که در این زمینه وارد شده است. برای رعایت این امر در فرایند دادرسی کیفری، کشف جرم و اجرای تحقیقات، باید مبتنی بر قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلیق شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت یا بازداشت‌های اضافی

و بدون ضرورت اجتناب شود و حیثیت و شرافت افراد و حقوق بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی تأمین و تضمین شود. بر اساس بند ۴ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، رعایت اخلاق و موازین اسلامی در جریان تحقیقات، کشف و تعقیب جرایم ضروری است. موازین اخلاقی و شرعی ایجاب می‌کند در تحقیق و بازجویی از زنان در جریان رسیدگی‌های کیفری، از یک طرف، به منظور حمایت و احترام به مقررات شرعی و ارزش‌های دینی، ضوابط و قواعد خاصی رعایت شود و از طرف دیگر، به جهت حفظ کرامت بانوان و آسایش و امنیت روانی آنان، اقدامات لازم توسط ضابطان قضایی آموزش دیده زن انجام پذیرد. به همین علت، ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری، رعایت موازین شرعی در بازجویی از متهمان زن را ضروری اعلام نموده است. بدیهی است با تکیه به ارزش‌های اسلامی و آموزه‌های دینی می‌توان رعایت موازین شرعی را در عدم لمس بدن بانوان توسط مأموران مرد، همراهی، انتقال، اعزام و بدرقه آنان توسط مأموران زن و به طور کلی انجام تحقیق و بازجویی از بانوان توسط مأموران زن مشاهده نمود. این موضوع در ماده ۴۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری بازتاب یافته است؛ بازجویی و تحقیقات از زنان توسط ضابطان آموزش دیده زن انجام شود، در تحقیق و بازرسی در امور کیفری، قانون‌گذار، مسئولین تحقیق را به رعایت احتیاط به ویژه در مواجهه با اعمال منافی عفت که در پاره‌ای از این جرایم، زنان بزه‌دیده یا مجرم قلمداد می‌شوند، مکلف نموده و در مقام حمایت از بزه‌دیدگان و حفظ شئون اخلاقی اجتماع، محدودیت‌های خاصی را در فرایند رسیدگی ایجاد کرده است. بنابراین تفتیش و بازرسی باید با حفظ موازین شرعی و قانونی صورت پذیرد که رعایت این موازین به ویژه وجوه شرعی آن ایجاب می‌نماید در برخورد با بانوان از اقداماتی که خلاف اصول و ضوابط شرعی و اسلامی است خودداری شود و به همین علت، ماده ۱۳ لایحه حمایت از حریم خصوصی مقرر می‌دارد که بازرسی بدنی افراد باید در مورد زنان توسط زن به عمل آید. در جرایمی که متهم یا بزه‌دیده آن زن باشد، قاضی تحقیق به کمک واحد تعلیق و یا بازپروری اداره امور زندان‌ها و یا واحد ذی صلاح حمایت

قضایی از جوانان یا هر نهاد صالح دیگری، وضعیت مادی، خانوادگی و اجتماعی اشخاص را بررسی می‌کند و در مورد متهمان برای تحقیق درباره تدابیر تسهیل‌کننده بازپروری اجتماعی آن‌ها از این نهادها استمداد می‌جوید. هرچند توسل به این مراکز و نهادها مختص به بررسی وضعیت زنان نیست، در این مرحله بسیاری از نهادها و انجمن‌های فعال در زمینه حمایت از بانوان، رأساً یا با دعوت مسئولین عدالت کیفری یا بزه‌دیده در جریان تحقیقات حضور می‌یابند.

**تفتیش و بازرسی بدنی زنان از منظر فقه و حقوق:** در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، مقررات خاصی در زمینه تفتیش و بازرسی بدنی دیده نمی‌شود و قانونگذار فقط از معاینه محل و تفتیش و بازرسی منازل و اماکن سخن به میان آورده است. در ماده ۸۸ همین قانون از معاینه اجساد، جراحات‌ها، آثار و علایم ضرب و صدمه‌های جسمی و آسیب‌های روانی توسط پزشک قانونی صحبت شده ولی درعین حال از لزوم معاینه بدن زنان از جانب پزشک زن خبری نیست. لزوم رعایت تفکیک جنسیتی میان زن و مرد، علی‌الاصول بر رعایت حریم خصوصی زنان استوار است که مردان نباید به آن تعرض کنند. همچنین ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری، رعایت موازین شرعی در مورد متهمان زن را ضروری دانسته است. بازرسی بدنی زنان، چه از روی لباس و چه با درآوردن لباس نیز فقط باید توسط مأموران زن صورت پذیرد و به همین علت لایحه حریم خصوصی به این موضوع توجه نموده است و حتی به همین منظور رعایت حریم خصوصی جسمانی اشخاص در ماده ۱۴ همین لایحه آمده، محلی که بازرسی یا تفتیش بدنی یا معاینه در آن به عمل می‌آید باید با استفاده از وسائل و تدابیر مناسب از دید سایر افراد پوشیده باشند. بنابراین در قانون آیین دادرسی کیفری، در مورد لزوم بازرسی بدنی زنان از جانب پلیس زن، هیچ مقررات صریحی وجود ندارد و فقط بر اساس عمومیت و طبیعت موضوع، از مأموران زن کمک گرفته می‌شود. تفتیش اندام‌های داخلی انسان به ویژه مجاری تناسلی در مورد مردان توسط مأموران مرد و در مورد زنان توسط مأموران زن صورت می‌پذیرد. در قانون و رویه عملی، فرقی میان پزشک مرد یا زن گذاشته

نمی‌شود و فقط در مقام معاینه اندام‌های داخلی اشخاص توصیه به استفاده از رویه‌های مقبول پزشکی شده است. پس در معاینه جسم و اندام داخلی زنان، هر جا که پزشک زن وجود نداشته باشد، منعی در اقدام پزشک مرد نیست.

**شکجه متهم برای کسب اقرار:** اجرای مجازات طبق ماده ۵۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری، شرایط ویژه‌ای را برای زنان وضع کرده است. بر اساس این ماده، اجرای مجازات در دوران بارداری، پس از زایمان حداکثر تا ۶ ماه، دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی و اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه، به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد.

**دادرسی متهم زن از منظر فقه و حقوق:** در مورد خانم‌های متهمی که استنطاق و بازجویی از آن‌ها لازم است، همه فقهای شیعه، حتی کسانی که با رأی ابن جنید مخالف هستند، می‌گویند باید تفصیل داد. اگر متهم، زن مخدره‌ای است، نباید به دادگاه احضار شود، اما اگر زن برزه است، می‌توان او را به دادگاه احضار کرد. مرحوم صاحب ریاض می‌گوید «برزه»، به فتح «ب» و سکون «ر» و فتح «ز»، زنی است که با اینکه عقیقه عاقله است، ولی به بازار می‌رود و خرید می‌کند و اهل بیرون رفتن است. احضار چنین شخصی به دادگاه اشکالی ندارد. اما اگر زن، مخدره و محترم باشد که اگر بیرون هم می‌رود به همراه همسر یا شخص دیگری می‌رود، نمی‌توان او را به دادگاه احضار کرد». ریشه این تفسیر درباره زن مخدره و زن برزه، روایتی است که دو زن متهم به زنا نزد پیامبر (ص) آمدند، یکی از آن‌ها که عامریه بود «فکانت العامریه برزه» زنی بود که موقعیت اجتماعی چندانی نداشت، لذا پیامبر با همین احضار و اقراری که آن زن انجام داد، او را رجم کرد. در ادامه روایت آمده است که «و الاخری مخدره» زن دوم مخدره بود، لذا پیامبر (ص) به یکی از اصحاب فرمود: «فردا صبح به منزل آن خانم برو و آن‌جا تحقیق و به این ماجرا رسیدگی کن». علت این تفسیر، توجه به موقعیت اجتماعی متهم است. در اینجا نکته‌ای وجود دارد؛ ممکن است آقایان منابع را ببینند و بگویند بعضی از فقها با این حکم مخالفت کردند و گفتند تفاوتی بین اشخاص محترم و غیر محترم نیست، لذا همه را باید احضار

کرد. اگر به منابع مراجعه کنید، متوجه می‌شوید که مخالفت آن‌ها صغروی است، نه کبروی؛ یعنی آن‌ها صرف احضار به دادگاه را متضمن تنقیص و اهانت نمی‌دانند، نه اینکه با فرض تنقیص موقعیت اجتماعی فرد، آن را جایز بدانند.

**الف - علنی بودن جلسات رسیدگی:** اصل علنی بودن دادرسی که در قوانین ایران، ریشه در قانون اساسی دارد<sup>۱</sup>، یکی از مهم‌ترین تضمین‌های حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود. مطابق ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل بر علنی بودن محاکمات است، اما قانونگذار بنا به پاره‌ای از مصالح از جمله حمایت از اخلاقیات و امنیت روانی اجتماع، به دادگاه اجازه داده است تا جلسه دادرسی به صورت غیر علنی برگزار شود. آسیب‌پذیری زنان که بیش از هر چیز در بزه‌دیدگی آنان نقش دارد، زنان را شایسته حمایت‌های ویژه‌ای قرار می‌دهد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ص ۲۴). پیشگیری از بزه‌دیدگی دوباره زنان به ویژه بزه‌دیدگی قضایی در جریان دادرسی‌های کیفری ایجاب می‌کند که از زنان، چه در مقام شاکی و بزه‌دیده و چه به عنوان متهم، در سطح سیاست جنایی تقنینی و قضایی کشور، حمایت‌های مناسب به عمل آید. بنا به ملاحظات پیش گفته، یکی از این حمایت‌ها در بستر دادرسی‌های کیفری می‌تواند برگزاری جلسات محاکماتی بانوان به صورت غیر علنی و بدون حضور تماشاچی باشد. شاید بتوان رویکرد تدوین‌کنندگان قانون جدید آیین دادرسی کیفری را در جرایم منافی عفت که دادن تصویر یا رونوشت از اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات در این گونه جرائم را ممنوع اعلام کرده‌اند<sup>۲</sup>، علاوه بر حفظ اخلاقیات جامعه، حمایت از بزه‌دیدگاه این گونه جرایم که اغلب زنان جامعه هستند دانست. دادگستری به عنوان مرجع تظلمات عمومی باید در مقام رسیدگی به دعاوی و صدور حکم با تمام توان برای تحقق عدالت کوشش کند. بدیهی است حصول این نتیجه مستلزم رعایت تشریفات است که بدون آن‌ها امکان تحقق محاکمه‌ای مبتنی بر معیارهای

۱. قانون اساسی، اصل ۱۶۵

۲. قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ماده ۱۰۰.

عادلانه امکان‌پذیر نیست. دادرسی فوری و بدون تاخیر ناموجه<sup>۱</sup>، دادگاه قانونی<sup>۲</sup>، برگزاری علنی جلسه دادرسی<sup>۳</sup>، حضور هیئت منصفه<sup>۴</sup> و حضور و کیل دادگستری<sup>۵</sup>، از شرایط برقراری محاکمه منصفانه هستند. علاوه بر این موارد، نظام حقوقی ایران در مرحله دادرسی حقوقی همچون غیر علنی بودن جلسات رسیدگی و مددکاری و مشاوره زنان متهم به وسیله زنان را خاص متهمان زن پیش‌بینی کرده است.

**ب- غیر علنی بودن جلسات رسیدگی:** هر چند علنی بودن دادرسی از ابزارهای رعایت دادرسی منصفانه برشمرده شده است، گاهی به دلیل نظم عمومی یا اخلاق حسنه یا امنیت عمومی، این علنی بودن محدود شده است و آنجا که کرامت انسان‌ها تهدید می‌شود - به منظور احترام به شهروندان اجتماع و حفظ جایگاه فردی و اجتماعی آن‌ها به ویژه احترام به شأن و منزلت بانوان که به دلیل وضعیت جسمانی و فیزیولوژیک و عوامل روان‌شناختی نسبت به مردان موقعیت متفاوتی دارند - از این اصل عدول شده است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۵۰). بنابر مطالب بیان شده، یکی از حمایت‌هایی که در بستر دادرسی کیفری می‌توان از زنان متهم انجام داد، برگزاری جلسات غیر علنی محاکمات بانوان است. با عنایت به مطالب گفته شده، شاید بتوان رویکرد تدوین‌کنندگان قانون جدید آیین دادرسی کیفری را در جرایم منافی عفت - که دادن تصویر یا رونوشت از اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات در این گونه جرایم را ممنوع اعلام کرده‌اند - علاوه بر حفظ اخلاق جامعه، حمایت از بزهدیدگان این گونه جرایم - اغلب زنان جامعه هستند - دانست (مؤذن‌زادگان و تدین، ۱۳۹۳).

**ج- مددکاری و مشاوره زنان متهم به وسیله زنان:** کاهش مشکلات متهم و حل معضلات در زمان تنش‌ها و فشارهای عصبی بیشتر آن‌ها نسبت به مردان در کلانتری‌ها و

۱. اصل (۳۲) قانون اساسی.

۲. اصل (۱۵۶) قانون اساسی.

۳. اصل (۱۶۵) قانون اساسی.

۴. اصل (۱۶۸) قانون اساسی.

۵. اصل (۳۵) قانون اساسی.



مراجع قضایی و ارتقای سطح بهداشت روانی بانوان و خیلی مسائل مهم دیگر، ضرورت امر مددکاری و خدمات مشاوره‌ای را برای زنان متهم نمایان می‌کند. بر این اساس، ضابطان دادگستری مکلف‌اند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه کنند<sup>۱</sup>. امروزه با پیشرفت تکنولوژی و افزایش مشکلات افراد در جامعه نیاز به مددکاری اجتماعی در سطح گسترده احساس می‌شود. خدمات مددکاری اجتماعی در قالب ارائه مشاوره و راهنمایی به افراد آسیب دیده و یا آسیب پذیر، مانند کودکان و زنان متهم و بزهکار، بزهکار زندانیان، مراکز و موسسات دولتی و غیر دولتی مانند کانون‌های اصلاح و تربیت، آموزش و پرورش، مراجع قضایی، ادارات و... نقش بسیار مهمی در حل مشکلات افراد، پیشگیری از جرایم و حتی کاهش جرایم داشته است. ماده ۱۳۷ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان حق استفاده از وکیل و مشاور حقوقی در دادگاه یا سایر مراجع قانونی را از جمله حقوق قضایی زنان برشمرده است.

در «دستور العمل روابط کاری کارکنان انتظامی زن»، ارائه خدمات مشاوره و مددکاری مرتبط با زنان به زنان انتظامی شاغل در ناجا سپرده شده است<sup>۲</sup>. این دستورالعمل بیان می‌کند، در مراکز مشاوره کلاتری‌ها که محل مراجعه خانواده‌ها، بانوان و همچنین مددکاری اجتماعی به خانواده‌های شهدا و ایثارگران در موضوع‌های مرتبط با بانوان است، الزاماً باید از خدمات کارکنان انتظامی زن استفاده شود و تخطی از آن تخلف انتظامی محسوب می‌شود<sup>۳</sup>. در این مورد توجه به تبصره ۲ ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری<sup>۴</sup>، مبنی بر اینکه «در صورت مونت بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد» نیز ضروری است. ماده ۴۱۰ و تبصره‌های آن درباره متهمانی است که وارد مرحله دادرسی شده‌اند و در حال محاکمه هستند. در آنجا طبق اصول انسانی، باید در کنار قضات، مشاور

۱. مطابق با ماده (۳۸) قانون آیین دادرسی کیفری

۲. دستورالعمل‌های خدمتی پاوران انتظامی زن، ماده (۶)

۳. دستورالعمل‌های خدمتی پاوران انتظامی زن، ماده (۹)

۴. تبصره «۱» ماده (۴۱۰) و تبصره «۲» در صورت مونت بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.

زن حضور داشته باشد تا در صورت نیاز به آن‌ها مشاوره‌های لازم ارائه دهد، اما با توجه به فلسفه این ماده و تبصره‌های آن و همچنین الزامات اسناد بین‌المللی مختلف باید از این مشاوره‌ها در مرحله دادسرا و حتی کشف و تعقیب نیز (در کنار ضابط و بازپرس) استفاده شود تا حقوق بانوان متهم کامل محفوظ بماند و زنان احساس امنیت و آرامش بیشتری کنند. ضمانت اجرای تخلف از این مقررات در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری، محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی ذکر شده است.

**حقوق اختصاصی متهمان زن پس از مرحله دادرسی یا اجرای حکم:** اجرای حکم، آخرین مرحله دادرسی کیفری و در حقیقت، مرحله بهره‌برداری از دادرسی محسوب می‌شود. باب پنجم قانون آیین دادرسی کیفری ایران از ماده ۲۷۸ تا ماده ۳۰۰ به موضوع اجرای احکام پرداخته است. در عین حال، برخی از مواد قانون مجازات اسلامی نیز موضوع اجرای مجازات را مورد توجه قرار داده‌اند. برای بررسی رویکرد مثبت قانونگذار ایران به بانوان در اجرای احکام کیفری، علاوه بر دو قانون یاد شده، باید آیین‌نامه‌های نحوه اجرای احکام و نحوه تفکیک و طبقه بندی زندانیان و همچنین آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مورد بررسی قرار گیرد. ماده ۲۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری، احکام لازم‌الاجرا یعنی احکامی را که باید فوراً پس از قطعیت اجرا شوند بر شمرده است. ماده ۲۸۳ همین قانون نیز در مقام بیان لزوم اجرای فوری احکام آورده است: عملیات اجرای حکم پس از صدور دستور دادگاه، شروع و به هیچ وجه متوقف نمی‌شود مگر در مواردی که دادگاه صادرکننده حکم در حدود مقررات، دستور توقف اجرای حکم را صادر نماید. یکی از مواردی که دادگاه می‌تواند در حدود مقررات دستور توقف اجرای حکم را صادر نماید، بند الف ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری است. بر اساس این مقرره، با توجه به وضعیت جسمانی و خاص بانوان، اجرای مجازات در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه با تأخیر مواجه است.

ماده ۶ آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بیان می‌کند که در

ایام بارداری و نفاس زن، حکم اعدام یا حد یا قصاص نفس اجرا نمی‌شود. همچنین مطابق این ماده آیین‌نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده ۲۹۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۲ نیز بیان می‌کند: در ایام بارداری و نفاس زن، حکم اعدام یا حد یا قصاص نفس اجرا نمی‌شود. با این حال به حکم ماده ۵ همین آیین‌نامه، عروض استحاضه، مانع اجرای مجازات اعدام نیست. با بررسی مفهوم مخالف مواد فوق، این‌گونه استنباط می‌شود که مجازات‌های حبس و جزای نقدی با تأخیر مواجه نمی‌شود. ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز اجرای حد قتل یا رجم را در ایام بارداری و نفاس زن، قابل اجرا ندانسته بود. زنی که محکوم به حد جلد باشد نیز اجرای حد او تا رفع بیماری و استحاضه به تأخیر می‌افتد ولی هرگاه زن مستحاضه، محکوم به قتل یا رجم شده باشد، حد جاری می‌شود.

ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی نیز در مقام حمایت از زنان بیان می‌داشت زنی که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل، قصاص شود. بنابراین با توجه به ویژگی‌های خاص جسمانی بانوان و موقعیت خاص طبیعی آن‌ها یعنی بارداری، وضع حمل، نفاس و استحاضه، قانونگذار، اجرای مجازات را به تأخیر انداخته است. به طور کلی می‌توان گفت که علت تأخیر در اجرای حکم، ضعفی است که در این دوران بر زن عارض می‌شود، ولی معلوم نیست که چرا در روزهای قاعدگی یا حیض، تأخیر در اجرای حکم، پیش‌بینی نشده است. در شیوه اجرای احکام کیفری نیز قانونگذار با توجه به موازین شرعی و دینی به ویژه رعایت حرمت نگاه به نامحرم و لمس بدن اجنبیه، رویکرد متفاوتی در اجرای مجازات نسبت به بانوان اتخاذ نموده است.

ماده ۴ آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب سال ۱۳۸۵ به منظور حفظ حقوق و کرامت زندانیان مقرر می‌دارد که در نگهداری زنان زندانی علاوه بر رعایت موارد مربوط به طبقه‌بندی زندانیان باید نکات زیر رعایت شود:

- مادران زندانی حق دارند فرزند شیرخوار خود را تا سن ۲ سالگی در زندان و یا بازداشتگاه‌ها نگهداری نمایند. افزایش مدت مذکور تا سقف ۶ سال با نظر شورای طبقه بندی امکان‌پذیر می‌باشد؛
  - مسئولین زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها مکلف به تهیه وسایل بهداشتی برای زندانیان زن و تغذیه مناسب برای مادران زندانی و اطفال همراه در زندان می‌باشند؛
  - زنان باردار و اطفال شیرخوار با مادرانشان از رژیم خاص غذایی برخوردار می‌شوند و در قسمت جداگانه از زندان یا بازداشتگاه نگهداری می‌شوند.
- منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، حقوق قضایی زنان در مرحله اجرای حکم را در مواد ۱۴۰ تا ۱۴۴ به این شرح بیان کرده است:
- ماده ۱۴۰: حق زنان در معافیت از مجازات در صورت وجود عوامل رافع مسئولیت کیفری؛
- ماده ۱۴۱: حق اعاده حیثیت زنان در اثر تقصیر قاضی در موضوع حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص و جبران خسارت مادی و معنوی از آن‌ها؛
- ماده ۱۴۲: حق برخورداری از تخفیف قانونی از نظر میزان مجازات و یا معافیت از آن و یا نحوه اجرا، در صورت ندامت و اثبات توبه زنان بزهکار در زمان بارداری، شیردهی و بیماری؛
- ماده ۱۴۳: حق زنان در ملاقات والدین، فرزندان و همسر در دوران حبس طبق قوانین کشور؛
- ماده ۱۴۴: حق زنان در برخورداری از امکانات مناسب بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی در زندان‌ها برای اصلاح و بازگشت به زندگی سالم اجتماعی.
- حقوق موضوعه ایران، حق بانوان متهم را دو مورد به شرح زیر برشمرده است:
- الف- حق متهم زن برای همراه داشتن طفل خود:** به دلیل خصوصیات جسمی و روانی بانوان و آسیب‌پذیری بیشتر این قشر، حضور زنان در زندان به آسیب‌های دیگری در آینده منجر می‌شود، زیرا بیشتر این زنان در خارج از زندان فرزند یا فرزندی دارند و بسیاری از این کودکان در بیرون از این محیط، شرایط امنی ندارند و کسی برای مراقبت از

آن‌ها وجود ندارد. به نظر می‌رسد، اولویت باید با اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در فرض محکوم شدن و یا تاسیسات ارفاقی قانون آیین دادرسی کیفری درباره متهمان همچون تعلیق تعقیب برای مادران و زنان (به خصوص زنان باردار) باشد و در مرحله دوم، ایجاد شرایط محیطی در زندان و بازداشتگاه که کودکان بتوانند در محیطی ایمن از لحاظ روحی و روانی در کنار مادر قرار گیرند. این موضوع را باید در نظر داشت که برخلاف رویه موجود وجود مهد در زندان اولویت نیست، بلکه تفکیک مادران زندانی که فرزند کوچک دارند از سایر زنان زندانی اولویت دارد. در همه این موارد سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن مددکاری اجتماعی و خیریه‌ها می‌توانند نقش موثری ایفا کنند (موسوی چلک، ۱۳۹۷).

تبصره «۱» «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور» مصوب ۱۳۸۴، در خصوص این حق مقرر کرده است: «محکومان و متهمان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند». در مورد ضمانت اجرای این ماده باید دانست که متخلف علاوه بر اینکه مشمول مجازات مندرج در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم (انفصال از خدمات دولتی از یک یا پنج سال) خواهد شد، در زمره ضمانت اجرای مصوبه شورای عالی اداری درباره منشور حقوق شهروندی در نظام اداری (ماده ۱۹) نیز قرار می‌گیرد.

**ب- لزوم همراهی مامور بدرقه زن:** ماده ۵۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: اشخاص محکوم به حبس با ذکر مشخصات کامل، نوع جرم، میزان محکومیت، ایام بازداشت قبلی و مرجع صادر کننده حکم در برگه مخصوص، برای تحمل کیفر به زندان همان حوزه قضایی یا نزدیک‌ترین حوزه قضایی آن استان، حسب مورد، به همراه مامور بدرقه زن و یا مرد و با رعایت موازین مراقبتی، اعزام و معرفی می‌شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

دین اسلام، خاستگاه حقوق را اراده تشریحی خداوند می‌داند. اراده تشریحی خداوند مبتنی بر طبیعت و فطرت انسان‌ها است. چنانکه پیشتر گفتیم طبیعت زن و مرد مشترکاتی دارد و

تفاوت‌هایی. از این رو انسان‌ها، در اکثر حقوق و تکالیف، مشترک‌اند، ولی در برخی موارد، متناسب با تفاوت‌ها، حقوق و تکالیف مختلف دارند. ویژگی‌های طبیعی در هریک از دو جنس موجب شده که هر کدام از زن و مرد در برخی وظایف، نقشی بیشتر یا حتی انحصاری داشته باشند. تفاوت طبیعی میان زن و مرد، شاهکار آفرینش و با هدف تقسیم نقش‌های فردی و اجتماعی و رسیدن به سعادت دنیایی و آخرتی قرار داده شده و تفاوت‌های حقوقی و تکلیفی برای ایفای درست و مناسب آن نقش‌ها در نظر گرفته شده است.

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه جامعه بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها، موضوع حفظ و رعایت حقوق زنان و مراعات تساوی حقوق زن و مرد و عدم تبعیض براساس جنسیت است، اما درعین حال، خصوصیات و ویژگی‌های جسمانی و فیزیولوژیکی بانوان باعث شده است تا رویکرد قانون‌گذاران نسبت به زنان در جریان دادرسی‌های کیفری متفاوت باشد. هر چند پاسداشت اخلاقیات و صیانت از کرامت انسان و حیثیت و شرافت افراد و حفظ امنیت روانی اجتماع می‌طلب که در تحقیق، تعقیب و رسیدگی به جرایم بانوان با حساسیت و دقت بیشتری عمل شود و از منظر رویکردی مثبت و حمایتی خاصی نسبت به بانوان، به این موضوع نگریده شود، اما در پرتو این نگرش، شاهد کاستی‌ها و خلأهای چندی در این زمینه هستیم که رفع آن‌ها از طریق سیاست تقنینی امکان‌پذیر خواهد بود.

از مجموع مباحث مطرح شده چنین بر می‌آید که در قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی، حاکمیت‌ها با استفاده از قدرت عمومی خود نسبت به نقض قوانین و مقررات شناسایی این حقوق عکس‌العمل نشان می‌دهند که به آن ضمانت اجرا اطلاق می‌شود. بانوان متهم به دلیل ویژگی‌های جنسیتی و آسیب‌پذیری در تضمین حقوق خویش به حمایت بیشتری نیاز دارند. همراه داشتن طفل، بازجویی به وسیله ضابط آموزش دیده زن، حق دسترسی راحت به تسهیلاتی برای مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان و حق وضع حمل در بیمارستانی خارج از بازداشتگاه، حمایت تشکل‌ها و نهادهای مدنی مرتبط با زنان، ضرورت وجود پلیس زن

برای حمایت از منزلت انسانی زنان متهم و بزه‌کار، لزوم بازرسی بدنی زنان و بازرسی از اماکن مخصوص بانوان به وسیله ضابط زن، مددکاری و مشاوره زنان متهم به وسیله زنان، مهم‌ترین حقوق بانوان متهم تلقی می‌شود. ضروری است در خصوص حق اول و سوم، قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مقرراتی جدید و همگام با حقوق بین‌الملل وضع کند. در مورد حق دوم نیز در اصلاحیه‌های بعدی قانون آیین دادرسی کیفری جمله «در صورت امکان» را حذف کند تا این موضوع مهم ضمانت اجرای قوی تری داشته باشد. حبس و جزای نقدی ناقض حقوق زنان متهم از جمله مصادیق ضمانت اجرای کیفری، محرومیت و انفصال از خدمات دولتی از جمله ضمانت اجرای اداری و انتظامی جبران خسارت و جزء سازوکارهایی است که در حمایت از حقوق بانوان متهم پیش‌بینی شده‌اند. قانون‌گذاری آن دسته از مقررات بین‌المللی که با اصول و مسلمات اسلام مغایرتی ندارند و همچنین اختیار رویه‌ای قضایی افتراقی در خصوص بانوان متهم از مهم‌ترین راهبردها برای توسعه حقوق بانوان متهم به شمار می‌آید.

ویژگی‌های جسمانی و فیزیولوژیکی بانوان باعث شده است، رویکرد قانون کیفری نسبت به زنا در جریان رسیدگی‌های کیفری متفاوت باشد. برخی از این نگرش‌ها ریشه در تبعیض مثبت و نگاه حمایتی و خاص نسبت به بانوان دارد ولی در پرتو این نگرش، کاستی‌ها و خلأهایی نیز به چشم می‌خورد که لازم است مورد توجه قرار گیرد. هر چند نیروی انتظامی در فرآیند کیفری ایران، تلاش‌هایی خارج از چهارچوب پیش‌بینی شده در قانون برای پر کردن خلأهای قانونی انجام داده است و حتی با طرح کلانتری‌های خاص بانوان، کوشیده است عملکرد ضابطان قضایی و نیروهای پلیس، نسبت به زنان جامعه را با رویکرد حمایتی و با در نظر گرفتن ویژگی‌ها و اوصاف خاص بانوان، تغییر بدهد و بهبود بخشد. با توجه به اینکه این تلاش‌ها در قانون پیش‌بینی نشده و جنبه عمومی ندارد و فقط در برخی از شهرهای بزرگ مانند تهران که امکانات نسبتاً بالایی در مقایسه با شهرستان‌های دیگر دارند صورت می‌گیرد، لازم است که قانون آیین دادرسی کیفری به این موارد توجه کند. با بررسی اجمالی قوانین دادرسی کیفری، جدای از برخی موارد تبعیض مثبت، در حقوق

ایران خلأ وجود قواعد خاص حمایتی در فرآیند دادرسی برای زنان مشهود است. اما نگرش منفی قابل ملاحظه‌ای نسبت به آنان در قوانین کشور، محسوس نیست و آنچه از موارد تبعیض در دو باب ادله اثبات جرایم و اجرای احکام کیفری در مباحث حدود و قصاص در قوانین ایران دیده می‌شود، از طریق اعمال سیاست جنایی مدبرانه قابل رفع است. هر چند پاسداشت اخلاقیات، صیانت از کرامت انسان و حیثیت و شرافت افراد و حفظ امنیت روانی اجتماع می‌طلب که در تحقیق، تعقیب و رسیدگی به جرایم بانوان با حساسیت و دقت بیشتری عمل شود و از منظر رویکردی مثبت و حمایتی خاصی نسبت به بانوان، به این موضوع نگریسته شود، اما در پرتو این نگرش، شاهد کاستی‌ها و خلأهای چندی در این زمینه هستیم که رفع آن‌ها از طریق سیاست تقنینی امکان‌پذیر خواهد بود.

**تشکر و قدرانی:** از اساتید بزرگوارم که همواره راهنما و یاری دهنده‌ام بوده‌اند، بسیار سپاسگزارم.

## منابع

- ابراهیم‌وند، عبدالعلی (۱۳۹۳). لزوم استفاده محدود از کیفر سالب آزادی بر مبنای فقه اسلامی. فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی. ۴(۶۸)، ۷۹-۱۰۸. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/file/download/article/20160409101821-9797-72.pdf>
- احمدی، سید محمد؛ معصومی، جمشید (۱۳۹۷). بررسی جایگاه زنان زندانی در حقوق شهروندی اسلامی. فصلنامه حقوق پزشکی. ۱۲(۴۶)، ۲۵۵-۲۷۵. قابل بازیابی از: <http://ijmedicallaw.ir/article-1-906-fa.pdf>
- آخوندی، محمود (۱۳۷۹). آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم. قم: اشراق.
- آشوری، محمد (۱۳۸۳). آیین دادرسی کیفری، جلد اول. تهران: سمت (چاپ هشتم)
- افراسیابی، علی؛ سجادی، لیلا (۱۳۹۳). پاسخ‌های پلیس به خشونت علیه بانوان در محیط‌های اجتماعی (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و کانادا). فصلنامه علمی پلیس زن. ۵(۲۱). ۶۰-۷۷. قابل بازیابی از: [http://journals.police.ir/article\\_11180\\_8e4e5b16b76d4dd2e6c475ce624d614e.pdf](http://journals.police.ir/article_11180_8e4e5b16b76d4dd2e6c475ce624d614e.pdf)



- براری لاریمی، محمد؛ قبولی درافشان، سید محمدتقی (۱۳۸۹). حقوق متهم با رویکرد فقهی. مطالعات فقه و حقوق اسلامی. ۲(۲)، ۲۳-۵۱. قابل‌بازیابی از:  
<http://ensani.ir/file/download/article/20121212124531-9580-2.pdf>
- پرنزلی، تیم؛ جوجینیا سین، کلایر (۱۳۹۶). وضعیت افسران پلیس زن؛ یک بررسی بین‌المللی. (نبی‌اله غلامی و الهام قائد رحمتی، مترجمان). فصلنامه پلیس زن. ۶(۲۶)، ۸۷-۱۱۳. قابل‌بازیابی از:  
[http://journals.police.ir/article\\_11211\\_a6068b4ac1b475b96bec06d69fd848e4.pdf](http://journals.police.ir/article_11211_a6068b4ac1b475b96bec06d69fd848e4.pdf)
- پیوندی، غلامرضا (۱۳۹۵). حکمت‌های کیفر در نظام جزایی اسلام. مجله حقوق اسلامی. ۱۳(۴۸)، ۹۱-۱۲۷. قابل‌بازیابی از:  
[http://hoquq.iict.ac.ir/article\\_22576\\_36c0806e3f5be728ccc47a0804a4eef5.pdf](http://hoquq.iict.ac.ir/article_22576_36c0806e3f5be728ccc47a0804a4eef5.pdf)
- تاجیک، عاطفه (۱۳۸۶). تاثیر جنسیت بر چگونگی اعمال کیفر. فصلنامه بانوان شیعه. ۱۳(۱۴)، ۲۲۵-۲۴۶. قابل‌بازیابی از:  
<http://dl.nlai.ir/UI/39f8ac89-5eff-4613-948e-3c97efcf43d7/Catalogue.aspx>
- حسین‌زاده، محمد؛ طاهری، علی؛ علی‌اکبری، امیر (۱۳۹۶). نظارت الکترونیکی بر محرمین حرفه‌ای و سابقه‌دار مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه. کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت اقتصاد و علوم انسانی، کازرون
- خالقی، علی (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش (چاپ ششم)
- خانی، محمد؛ لکی، زینب؛ نصرآبادی، محمد علی (۱۳۹۶). عدم تحمل کیفر؛ مبانی و معیارهای حقوقی پزشکی. فصلنامه حقوق پزشکی. ۷(۲۶)، ۱۱۱-۱۳۸. قابل‌بازیابی از:  
<http://ijmedicallaw.ir/article-1-165-fa.pdf>
- خمینی، روح‌اله (۱۳۶۸). تحریرالوسیله، جلد دوم. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی. تهران: دادگستر.
- رجبی، ابراهیم (۱۳۹۰). پلیس زن و حقوق شهروندی زنان بزه‌کار و بزه‌دیده در جرایم مواد مخدر و روان‌گردان. پیشگیری از جرم. ۵(۲۱)، ۱۵۸-۱۳۵. قابل‌بازیابی از:  
[http://cps.jrl.police.ir/article\\_13559\\_1b8c283ca1aa6288148eedbb5544d13c.pdf](http://cps.jrl.police.ir/article_13559_1b8c283ca1aa6288148eedbb5544d13c.pdf)

- زیبایی، رضا(۱۳۹۳). جلوه‌ای از اقدامات و کیفرهای جایگزین نوین حبس در قانون مجازات اسلامی. مجله اصلاح و تربیت. سومین همایش بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی و قانون، نوامبر ۲۰۱۶، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
- سلیمانی، رضا؛ حجاریان، محمد حسین(۱۳۹۶). پرونده شخصیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲. مطالعات حقوق. ۱۱(۱)، ۱-۱۴. قابل بازیابی از: <https://civilica.com/doc/764885/>
- سلیمی، محمد(۱۳۹۶). تعزیرات در نظام قضایی اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضایی خدمات اداری.
- شاملو، باقر(۱۳۸۳). اصل برائت در نظام‌های نوین دادرسی. علوم جنایی(مجموعه مقالات). تهران: سمت.
- شهید ثانی(جبعی عاملی)، زین الدین بن علی(۱۳۷۰). روضه البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة، جلد ۲۸. (محمد جواد ذهنی تهرانی، مترجم). تهران: انتشارات وجدانی.
- طباطبائی، سید محمد حسین(۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۴. بیروت: موسسه الاعلمی.
- طغرانگار، حسن(۱۳۸۷). زنان زندانی و جایگزین‌های مجازات حبس؛ ضرورتی مغفول. مجله اصلاح و تربیت. (۷۲)، ۱۵-۱۹. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/7676>
- طوسی، محمد بن حسن(۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۸. قم: مکتبه المرتضویه
- طوسی، محمد بن حسن(۱۴۱۴ق). امالی شیخ طوسی. قم: انتشارات دارالثاقفه
- طوسی، محمد بن حسن(۱۴۱۷ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی، جلد سوم. (محمد تقی دانش پژوه، مترجم). قم: نشر اسلامی
- علی محمدی، طاهر؛ حسینی، آمنه السادات(۱۳۹۳). تفاوت شهادت زن و مرد در فقه و حقوق، مطالعات راهبردی زنان. ۱۵(۶۰)، ۱۱۳-۱۳۶. قابل بازیابی از: [http://www.jwss.ir/article\\_12162\\_5d6dad7d6473b0ab23a7bd29cdb4c2e2.pdf](http://www.jwss.ir/article_12162_5d6dad7d6473b0ab23a7bd29cdb4c2e2.pdf)
- علیشاهی قلعه جوقی، ابوالفضل؛ دهقان علیشاهی، مهدی(۱۳۹۴). بررسی مبانی نظری احترام به شخصیت انسانی و مجرمان در طول مجازات. فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی. ۱۲(۳۳)، ۳۳-۵۳. قابل بازیابی از:

[http://journals.police.ir/article\\_10243\\_12d2072c6dbac7bb0b58d262cce739a6.pdf](http://journals.police.ir/article_10243_12d2072c6dbac7bb0b58d262cce739a6.pdf)

— فتاحی زهرقندی، سجاد(۱۳۹۵). بررسی مجازات‌های جایگزین حبس در اسناد بین‌المللی و ایران و کشورهای مختلف جهان. فصلنامه مطالعات حقوق. ۱(۱)، ۱-۱۸. قابل بازیابی از:

<https://civilica.com/doc//۷۶۴۷۶۳>

— فیض، علیرضا(۱۳۷۹). مقارنه و تطبیق در حقوق عمومی اسلام. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی(چاپ پنجم)

— قربان‌نیا، ناصر(۱۳۸۴). باز پژوهش حقوق زن، جلد اول. تهران: روز نو.

— مشیر استخاره، زهرا سادات(۱۳۹۵). جامعه‌شناسی زندان زنان. تهران: نشر جامعه‌شناسان.

— معظمی، شهبلا؛ شیرودی، مهسا؛ صالحی، معصومه(۱۳۹۴). تاثیر زندان بر تکرار جرم زنان. دانشنامه حقوق و سیاست. ۱۱(۲۳)، ۱۱۱-۱۲۷. قابل بازیابی از:

[https://jlap.srbiau.ac.ir/article\\_8161\\_cd354497489b98a74eefec4b0f70199e.pdf](https://jlap.srbiau.ac.ir/article_8161_cd354497489b98a74eefec4b0f70199e.pdf)

— ملک‌زاده، فهیمه(۱۳۹۲). مبانی فقهی و حقوقی اعتبار شهادت زنان در اثبات دعاوی. تهران: کانون وکلای دادگستری اصفهان.

— مهدوی پور، اعظم؛ اصغریان، مجتبی؛ نقیبی، سید محمدرضا(۱۳۹۸). حقوق بانوان متهم در نظام حقوقی ایران. مطالعات راهبردی زنان. ۲۱(۸۴)، ۱۱۵-۱۳۲. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/file/download/article/1592032200-9626-84-6.pdf>

— موذن‌زادگان، حسنعلی؛ تدین، عباس(۱۳۹۳). زن در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری. ۲(۶)، ۳۹-۶۷. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/file/download/article/20151111164552-9904-31.pdf>

— موسوی خویی، سید ابوالقاسم(۱۳۹۴). مبانی تکمله‌المنهاج، جلد دوم. (علیرضا سعید با دیباچه‌ای از عباسعلی عمید زنجانی، مترجم). تهران: نشر خرسندی(چاپ ششم)

— نجفی ابرندآبادی، علی حسین(۱۳۸۴). زن در جرم‌شناسی و حقوق کیفری. نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری گذشته، حال و آینده، قم

— نراقی کاشانی، احمد بن محمد مهدی بن ابوذرا(۱۴۱۵ ق). مستند الشیعه فی احکام الشریعه، جلد ۱۷. قم: انتشارات موسسه آل بیت علیه السلام لاحیا التراث

- نصیری اروجعلی لو، شهروز (۱۳۹۵)، بررسی تاثیر جنسیت در احکام جزا و قانون مجازات اسلام، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی. ۲(۶)۱-۱۰. قابل بازیابی از:  
<https://civilica.com/doc/628605/>
- وزیري، مجید؛ حسینی، حامد (۱۳۹۷). ضرورت حبس زدایی زنان بزهکار سرپرست خانوار در فقه و حقوق ایران (با رویکردی به حقوق فرانسه). فصلنامه مطالعات راهبردی فقه و حقوق. ۱ (پیش شماره)، ۵۷-۷۹. قابل بازیابی از:  
[http://journal.ihrci.ir/article\\_83017](http://journal.ihrci.ir/article_83017)
- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۸). نقش جنسیت در مجازات مجرم. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. ۱۲ (۴۵)، ۷۹-۱۱۴. قابل بازیابی از:  
[http://www.jwss.ir/article\\_45198\\_826c897930a9e97dc0f5153cf46de08a.pdf](http://www.jwss.ir/article_45198_826c897930a9e97dc0f5153cf46de08a.pdf)